

جلسه بیست و نهم اعتقادات

«معاد- قیامت، معاد جسمانی، شفاعت»

۱- اهمیت مسئله مبدأ و معاد در اسلام

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله آل الله، لا سيما على بقية الله روحى وأرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا * يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ

النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيَرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ *
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^۱

بحث ما درباره‌ی عالم قیامت و اینکه چگونه قیامت بر پا می‌شود و از مسائل جدی اسلام و قرآن است. چیزهایی که زیاد به آن توجه شده در قرآن مجید مبدأ و معاد است، در اسلام هم به این مسئله به وسیله‌ی روایات و پیشوایان اسلام به مبدأ و معاد زیاد تکیه شده است، حتی در بعضی از آیات این چنین مسئله مطرح شده که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»

۱ - سوره زلزله، آیات ۱-۸..

کسی که از این گروه ایمان به خدا بیاورد و به روز آخر که همان روز قیامت است. «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲ درباره‌ی این آیه بحث زیادی است که فعلاً مقتضی آن بحث نیست ولی آن دو چیزی که خیلی خدای عزیز به آن اهمیت داده، ایمان به خدا و روز قیامت است.

روز قیامت از این سوره‌ی مبارکه استفاده می‌شود که زمین وقتی که آن زلزله‌ی عجیب و آن تکان عجیب به آن وارد شد که در هفته‌ی گذشته درباره این سوره مطالب زیادی عرض شد. مطالبی درباره‌ی سوره زلزله گفتم.

۲ - سوره بقره، آیه ۶۲.

۲- پایان کار در کره زمین چگونه خواهد بود؟

و امروز مربوط به چگونگی پایان این کره زمین و اینکه دنیا بعد از ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه یک وضع بهتری پیدا می‌کند از نظر معنوی و زندگی، چون وقتی علم و صنعت پیشرفت کرد و با معجزات توأم شد، معجزاتی که از ناحیه‌ی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پیش می‌آید؛ یعنی آب و هوای دنیا عوض می‌شود که حتی همین سوره‌ی مبارکه‌ای که تلاوت کردند این سوره درباره‌ی قیامت صغری هم می‌گویند هست و تفسیر شده که چون از موضوع بحث ما

خارج است فعلاً در آن ارتباط عرضی نمی‌کنم. ولی وقتی دنیا
پُر از عدل و داد شد، دنیا یک حاکم مقتدرِ دانایی بر آن
حکومت کرد، بر دنیا علم و صنعت و هنر سایه افکند، بر دنیا
عدالت و تساوی و بلکه مواسات و مساوات حاکم شد
طبیعتاً یک زندگی بسیار خوبی مردم برای یک مدّتی خواهند
داشت ولی از نظر طبیعی دنیا رو به زوال است؛ یعنی آنچه که
ما در الآن می‌بینیم که وسیله‌ی زندگی خوب ما است، مثل
نور خورشید، مثل آب و هوای خوب، یک مدّت زمانی البتّه نه
مدّت کوتاه، یک مدّت حدود چند صد میلیون سالی وقتی
که کروی زمین عمر کرد خورشید کم‌کم نورش را از دست

می‌دهد، کم‌کم آب زمین خشک می‌شود، کم‌کم کوه‌ها خُرد می‌شوند که تعبیر قرآن این است، مانند پشم‌زده شده، کوه‌ها راه می‌افتند، یعنی یک کوه بلندی که این در اثر آب و هوا و نور خورشید بر سر پا ایستاده وقتی که این‌ها را از دست داد تفتیده می‌شود، خشک می‌شود، خُرد می‌شود، «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ»^۳ مانند ابر همان طوری که ابر جابجا می‌شود کوه‌ها جابجا می‌شود و خلاصه همان طوری که هفته‌ی گذشته اشاره کردم کوه‌های بلند در میان گودال‌های دریا با آن زلزله‌ی عجیبی که تمام کوه‌ی زمین را

۳ - سوره نمل، آیه ۸۸.

شامل می‌شود می‌شکند، خُرد می‌شود کوه‌ها و در میان
گودال‌ها پُر می‌شود و زمین یک وسعتِ این طوری پیدا
می‌کند که الآن اگر یک ربعِ زمین قابل سکونت است، تمام
زمین قابل سکونت و بلکه قابلِ ایستادن در آن خواهد شد و
تمامِ مردمی که از لحظه‌ی ایجاد حضرت آدم تا به آخر دنیا
بوده‌اند، همه‌ی این‌ها باید در این کروی زمین در مقام
محاسبه و در مقام قیامت و «یوم الدین» بایستند و جواب
بدهند.

۳- صور اول و زمان دمیده شدن در آن

اما قبل از اینکه دنیا از قابلیت برای زندگی و حیات برسد قبل از آن، هنوز مردم روی کروی زمین زندگی می کنند، هنوز مردم می توانند ولو با مشکلات طبیعی در کروی زمین باشند، ناگهان «بَغْتَةً»^۴ وقتی که خدا مصلحت بداند در صور دمیده می شود، صور را در روایات این طور گفته اند؛ هیچ مشکلی هم از نظر عقلی و از نظر فکری ندارد ولی به شرط آنکه با توضیحی که من می دهم و روایات فرموده اند خوب دقت کنید. یک صدایی بلند می شود که آیه ی شریفه می فرماید:

۴ - سوره زخرف، آیه ۶۶.

«فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ»^ه وقتی که در صور دمیده می‌شود، امام علیه‌السلام صور را تشبیه کرده‌اند به شاخ گاوی که یک سرش باریک و یک سرش باز، تشبیه به همین بلندگوهای ما، البته نه بلندگوی کوچک یک بلندگویی که تمام زمین را احاطه می‌کند، صدایی از آن بیرون می‌آید، علّت این صدا و دفعی بودن این کار به خاطر این است که دیگر عزیزان مرگ عزیزان را نبینند، وقتی زلزله می‌شود یک مشکلی که همه را ناراحت می‌کند این است که وقتی یک نفر زیر آوار می‌آید این طبعاً عزیزانش در خارج این خانه دارند جنازه‌ی او را در می‌آورند و

با جنازه‌ی قطعه قطعه شده‌ی او برخورد می‌کنند درست است که آن شخص متوفی زودتر راحت شده، خیلی بهتر از این است که در بستر مرض ماه‌ها بیافتد و عزیزانش رنج ببرند، با یک سنگی که از سقف به سرش خورده راحت شده ولی بازماندگان ناراحت هستند، امّا اگر دفعتاً تمام مردم، تمام یک فامیل مثلاً در یک زلزله از بین بروند، کسی ناراحت آنچنان نمی‌شود، اگر زلزله‌ای که بوجود بیاید البته آن زلزله‌ای که در آیه‌ی شریفه هست زلزله‌ی دوّم است، اگر در ضمن صدای اولی که بوجود می‌آید همه با هم بمیرند هیچ کس در عزای هیچ کس متأثر نیست، همه مرده‌اند، «فَصَعِقَ مَنْ فِي

السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ»^۶ هر کس از جنس بشر در آسمان‌ها هست، در زمین هست، در آسمان‌ها همان‌هایی هستند که در آسمان چهارمند که صلحاء و صدیقین و شهداء و انبیاء و کسانی که بندگی خدا را می‌کنند، «وَمَنْ يَطِغُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» این‌ها هم این صدا را می‌شنوند، چون اعلامی است که باید از این لحظه سفره‌ی کروی زمین برچیده شود و حیات از روی کروی زمین از بین برود، «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ»^۷ که ظاهراً «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» همان پنج دسته‌ای هستند که در جلسات قبل برایتان

۶ - سوره زمر، آیه ۶۸.

۷ - سوره زمر، آیه ۶۸.

عرض کردم. که پنج دسته در آسمان چهارم در یک زندگی راحتی، بهشتی که بین بهشت خُلد است و زندگی مرّفه دنیا است آنجا زندگی می‌کنند، بنابراین «صَعَقَ» را هم امام علیه السّلام می‌فرماید: به معنای مُردن است، همه می‌میرند، این صور وقتی دمیده می‌شود، حیات از روی کروی زمین برچیده می‌شود.

ممکن است بعضی فکر کنند که اگر بشر بماند خودبخود هر که قوی‌تر است بیشتر می‌ماند و هر که ضعیف‌تر است در اثر از بین رفتن نور خورشید و از بین رفتن آب‌های زمین خوب طبعاً انسان طبیعتاً می‌میرد، نه! خدا دوست ندارد، خدای

مهربان، خدای عزیز، خدایی که مهربانی اش شامل همه‌ی مردم حتّی کفّار و حتّی اشقی الاشقیاء می‌شود دوست ندارد که یک عده در عزای یک عده بنشینند و عزاداری کنند و تدریجاً در مقابل چشمشان دوستانشان از بین بروند. و لذا «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» آن «مَنْ شَاءَ اللَّهُ» هم آن کسانی که خدا آن‌ها را می‌خواهد که از این صدا و از این فریاد و از این صدای کشنده محفوظ باشند، آن‌ها در کروی زمین نیستند چون خود آیه می‌فرماید: «فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» در آسمان چهارمند، در آسمان پنجمند، مثل حضرت عیسی،

مثل آن‌هایی که شهید شده‌اند «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ»^۸ یا «وَمَنْ يَطْعُ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۹ پس همه می‌میرند، سال‌ها، زمان‌ها می‌گذرد که کوهی زمین کم‌کم آبش را از دست می‌دهد، «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ»^{۱۰} کوه‌ها درهم کوبیده می‌شود؛ یعنی این‌ها زمان می‌خواهد، خورشید نورش را از دست می‌دهد.

۸ - سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۹ - سوره نساء، آیه ۶۹.

۱۰ - سوره تکویر، آیه ۶.

حالا چرا ما باید برگردیم به این دنیایی که نه آب دارد، نه هوا دارد؟! فشار گرما آنچنان عجیب است که انسان به مجرد ایستادن تمام آب بدنش عرق می شود وضع عجیبی دارد روز قیامتی که در کروی زمین برپا می شود، مردم بیایند از همان لباس هایی که داشتند، از همان بدنی که داشتند استفاده کنند، معاد جسمانی از مسلمیات اسلام است.

۴- زمان صور دوم

تمام مردم مرده‌اند، خدای تعالی می‌فرماید: «لِمَنْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» خودش جواب به خودش می‌دهد «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^{۱۱} اهل عذاب در عذابند و اظهار وجود نمی‌توانند بکنند، اهل معنا و اولیاء خدا در آسمان چهارمند، در بهشت آسمان چهارم زندگی می‌کنند، در کروی زمین نیستند، افراد متوسط شیعیانی که یا مستضعفینی که این‌ها از دار دنیا رفته‌اند، بدن خاک شده، استخوان‌ها پوسیده، ارواح هم در اغماء فوق العاده‌ای که اصلاً چیزی متوجّه نیستند قرار گرفته‌اند لذا هیچ

۱۱ - سوره غافر، آیه ۱۶.

جوابگویی ندارد خدای تعالی، وقتی که می‌فرماید: «لِمَنْ
الْمُلْكُ الْيَوْمَ» ای بشری! که زمین خدا را تقسیم کرده بودی و
حتّی جزایر وسط آب را هم سرش دعوا داشتی و در اختیار
خودت به اصطلاح خودت گرفته بودی حالا مُلک و سلطنت
با کیست؟ یک مدّتی این طوری است، «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»
وقتی که کروی زمین آماده شد برای جمع شدن بشری که در
کروی زمین لا اقل نسل حضرت آدم در کروی زمین بوده‌اند،
دیگر آب و باتلاق و کوه‌های سنگی که اسباب زحمت باشد
ندارد، در یک چنین وضعی دو مرتبه ناگهان صور دمیده
می‌شود، این صور برخلاف صور قبلی، برخلاف بوق قبلی

هشداردهنده است، حیات بخش است، بعضی گفته‌اند
صدای نازنینِ علی ابن ابیطالب علیه‌السلام حالا یا شبیه تُن
صدای ایشان یا صدای خودشان در صور دمیده می‌شود باز
اهل آسمان‌ها هم می‌شنوند، همه‌ی مردمی که در قبرها
بدنشان پوسیده اعمّ از شهداء و صدیقین و صالحین مگر
انبیاء که بدنشان را با خودشان به آسمان برده‌اند همه‌ی
این‌ها می‌آیند به سراغ بدن‌هایشان، بیدار می‌شوند.

۵- حقیقت معاد جسمانی

پروردگار متعال در قرآن مَثَل این برنامه را گاهی به بیدار شدن اصحاب کهف و گاهی به زنده شدن الاغ عَزِیر بیان کرده است. اصحاب کهف بلند شدند و نمی دانند سیصد سال از عمر خوابشان گذشته، عَزِیر صد سال مرده بود ولی زنده شدن خودش را که ندید همان طوری که اصحاب کهف هم بیدار شدن خودشان را متوجّه نبودند که چقدر خوابیده اند، امّا خدای تعالی فرمود: «وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ ... كَيْفَ نُنْشِزُهَا»^{۱۲} نگاه کن به الاغت که چطور درست زنده می شود، حضرت عَزِیر

۱۲ - سوره بقره، آیه ۲۵۹.

نگاه کرد دید یک طوفانی بلند شد ناگهان بدن الاغش درست شد و روح در او دمیده شد و الاغ سالم صحیحی در اختیارش قرار گرفت، همین طوری می شود، یک طوفان که همین زلزله ای که در این سوره ی مبارکه است همان برپا می شود، تمام افراد در علم پروردگار، تمام افراد به ذرات وجود بدنشان می رسند، هر کجا رفته باشد، بدن یک انسان وقتی که مثلاً ده هزار سال، بیست هزار سال، صد هزار سال بلکه میلیون و میلیاردها سال این در روی کره ی زمینی که هر لحظه باد حرکت می کند، ذرات را این طرف و آن طرف می کند این بدن افتاده و خاک شده، این چطور ممکن

است؟ آن خدایی که «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^{۱۳} این خدا همه را با یک اراده به حالت اولیه برمی گرداند، آن عرب آمد خدمت پیغمبر یک استخوان پوسیده‌ای را در دست گرفته بود، به هم مالید، خُرد شد، خاکستر شد گفت: «مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ»^{۱۴} خدا فوراً فرمود: «قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»^{۱۵} «إِنَّمَا» امر است «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا»

۱۳ - سوره انعام، آیه ۵۹.

۱۴ - سوره یس، آیه ۷۸.

۱۵ - سوره یس، آیه ۷۹.

وقتی که امر پروردگار بر چیزی تعلّق بگیرد «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^{۱۶} «كن» یعنی باش، «فَيَكُونُ» یعنی پس خواهد بود، حتّی یک لحظه فاصله بین «كن» و «يَكُونُ» نخواهد بود، همان خدا با یک اراده همه زنده می‌شوند، این از قدرت نمایی پروردگار است یعنی دیگر آن روز روزی نیست که ما حالا بگوییم خدای تعالی چطور این کار را می‌کند؟! روز اوّلی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»^{۱۷} خلق کرد ولی روزی که می‌خواهد همه‌ی مردم را زنده کند یک

۱۶ - سوره یس، آیه ۸۲.

۱۷ - سوره اعراف، آیه ۵۴.

لحظه تمام مردم زنده می‌شوند، «یا وَیْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا» ای وای بر ما! چه کسی ما را از در قبرمان بیرون آورد؟

۶- طریقه نشر در قیامت

یک دفعه وقتی که انسان زنده می‌شود طبعاً از زیر خاک‌ها می‌آید بیرون و خاک از سر و صورتش می‌ریزد، «مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَانُ» ببینید با کلمه‌ی رحمان استفاده شده، این از آن وعده‌هایی است که رحمان به ما داد، چون در آن لحظه‌ی اوّل مثل به اصطلاح جُراد تعبیر روایت هست مانند ملخ، در بیابان پُرملخ اگر رفته باشید تا پایتان را

می‌گذارید لای بوته‌ها می‌بینید هر مخلی به یک طرف پرید،
مانند این ملخ‌ها انسان از لای خاک‌ها نمی‌داند کدام طرف
برود، «یا وَیْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا» کی ما را از میان مرقدمان
بیرون مان آورد؟ یک دفعه متوجّه می‌شوند، «هَذَا مَا وَعَدَ
الرَّحْمَانُ» آن خدای مهربان، آن رحمان، آن خدایی که به همه
رحمانیت دارد، به همه مهربان است، «وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»
راست گفتند فرستاده‌های الهی، چقدر درست است این
حرف، «هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَانُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»^{۱۸} این مسئله
حل می‌شود، همه بلند می‌شوند، تمام ایستاده‌اند.

۱۸ - سوره یس، آیه ۵۲.

اوّل صدایی که از جانب پروردگار به این بشری که دور کروی زمین ایستاده‌اند و آنچنان جا تنگ است که اگر یک کسی بخواهد بیاید اضافه بشود بر این‌ها نمی‌تواند کنار این‌ها بایستد، این‌ها اوّل سخنی که از پروردگارشان می‌شنوند: «الیوم» امروز هیچ کس هیچ جزایی داده نمی‌شود «إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^{۱۹} هر چه عمل کردید، عدل محض، عدل کامل، نه کم و نه زیاد، در همین سوره‌ی مبارکه زلزله «لِيرَوْا أَعْمَالَهُمْ» همه بیدار و زنده شده‌اند برای اینکه اعمالشان را ببینند، جزای اعمالشان را مشاهده کنند ببینید چه کار کرده‌اند و چه

۱۹ - سوره صافات، آیه ۳۹.

جزایی، چه مزدی، گرفته‌اند، و لذا می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» هر کس به وزن ذره‌ای کار خوب کرده باشد می‌بیند و هر کس به وزن ذره‌ای کار بد کرده باشد می‌بیند، یک همچنین دادگاه پُرهیجان و این کفنی هم که برای مسلمین در نظر گرفته شده در آنجا خدای تعالی دوباره ایجادش می‌کند؛ یعنی از خاک شدن، از پوسیده شدن از هر حالتی که پیدا کرده این را به حالت اوّل می‌آورد که مؤمنین و مسلمین عُریان نباشند، این‌ها بر می‌دارند کفن را به عنوان لُنْگی می‌بندند همه در محضر پروردگار ایستاده‌اند.

۷- معنای یوم الدین، یوم الفصل و یوم الجمع

در اینجا خدای تعالی برای روز قیامت اسمائی بیان کرده که هر یک از اسماء قیامت معرّف این است که روز قیامت چه خواهد شد، روز قیامت اوّل اسمی که در قرآن آمده و در سورهی اوّل قرآن هست «یوم الدّین» است، «مالک یوم الدّین»^{۲۰} روز دین، روز دین یعنی چه؟ روز پاداش، روز جزا، روزی است که هر کسی به جزای اعمالش می‌رسد، «وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» جزا داده نمی‌شوید مگر آنچه را که

۲۰ - سوره حمد، آیه ۳.

عمل کرده‌اید، «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ»^{۲۱} هر نفسی گروی آنچه که انجام داده است، «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ»^{۲۲} آن روز روزی است که هر شخصی مرهون و گروی آن چیزی است که کسب کرده، روز دین است، روزِ جزا است. شما امروز می‌توانید بگویید یک کاری کردم کسی نفهمید ولی در روز جزاء همه‌ی فیلم زندگی شما را به شما نشان می‌دهند، «لِيَرَوْا أَعْمَالَهُمْ»^{۲۳} اصلاً برای این شما را زنده‌تان کرده‌اند و الاً ممکن بود همان طوری که بیهوشند، همان طوری که از آسمان

۲۱ - سوره مدثر، آیه ۳۸.

۲۲ - سوره طور، آیه ۲۱.

۲۳ - سوره زلزال، آیه ۶.

چهارم حرکت می‌کنند می‌آیند در زمین، همین طور ببرند
شان در بهشت برای اینکه اعمالش را ببینند، این‌ها آمده‌اند
روی کروی زمین تا خوب‌ها از بد‌ها جدا بشوند و بد‌ها از
خوب‌ها جدا بشوند، لذا یکی از اسماء روز قیامت «یوم
الفصل» است، همه جمع شدند «یوم الجمع» است، تفرقه
بینشان ایجاد می‌شود که «فَرِیقٌ فِی الْجَنَّةِ وَفَرِیقٌ فِی السَّعِیرِ»^{۲۴}
جدایی «یوم الفصل» است،

«یوم الدِّین» است یا روز جزا است، که من گاهی که به اینجا
که می‌رسم و شما هم قطعاً مکرّر شاید شنیده باشید که

۲۴ - سوره شوری، آیه ۷.

کلمه‌ی «یوم الدّین» روز جزا بعد از «الرّحمن الرّحیم» است،
«رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» چقدر انسان
خوشحال است که آن کسی که مالک روز دین هست رحمان
و رحیم است، اگر شما یک جایی یک چیزی به مستحقین
می‌دهند شما هم کاسه را برداشتید و رفتید به طرف آن جایی
که چیزی تقسیم می‌کنند به شما می‌گویند: آن کسی که
تقسیم می‌کند این خیلی مرد مهربانِ عادل است، چقدر
انسان خوشحالی می‌شود این دادگاهی که برای تو تشکیل
دادند قاضیش یک مردِ مهربانِ بخشنده‌ای است، سابقه دارد،
هر چه در دنیا گناه می‌دهید، هر چه در دنیا انسان کوتاهی

می‌کرد خدا اصلاً به روی خود انسان حتی نمی‌آورد، آن شخص است، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

۸- طریقه معاد جسمانی و علت آن

آن لحظه‌ای که نفخ صور دوم می‌شود، تمام اولیاء خدا که در رأس آن‌ها معصومین علیهم السّلام هستند از آسمان چهارم و پنجم می‌آیند همه باید بیایند داخل کروی زمین، کفار و ملحدین هم باید بیایند، آن‌هایی هم که در کروی زمین در این مدّت بیهوش «يُلْهَى عَلَيْهِمْ» که در روایات متعدّد هست آن‌ها هم بیدار می‌شوند. همان‌ها هستند که می‌گویند: «یا

وَيَلْنَا مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا» آن‌ها هم زنده می‌شوند و می‌آیند، یعنی همه می‌آیند بدن‌هایشان را بر دارند این لباسی که تا یک مدّتی در کروی زمین داشتند این‌ها را بپوشند و معاد جسمانی برقرار بشود، حالا چرا ما باید با بدن باشیم؟ انسان در دنیا یک معصیت‌هایی می‌کند و یک کارهای ثوابی می‌کند که واسطه‌اش بدن است یعنی اگر بدن نداشت شاید این گونه گناه نمی‌کرد یا شاید این گونه ثوابی انجام نمی‌داد، خود بدن هیچ چیز متوجّه نیست، یک گوشت و استخوان و پوستی است، همان طوری که گوشت داخل یخچال شما هیچ چیز نمی‌فهمد بدن جدای از روح هیچ نمی‌فهمد، هر

کس غیر از این بگوید نافهم است و بی درک، آن روح است که همه چیز را احساس می کند ولی بعضی از کارها را ما با بدن انجام دادیم، یک سیلی زدیم به یک بچه ی یتیمی یا یک مظلومی با دستان با این گوشت و پوست و استخوان اذیت کردیم، حالا فرض کنید با این چوب، با این شمشیر، با این چاقو این کار را کردیم در دادگاه معمول هم این است که وقتی که یک متهم را دارند مؤاخذه می کنند آن اسلحه ای که با او یک نفر را اذیت کرده و یا یک نفر را کشته با آن در دادگاه حاضرش می کنند، خدای تعالی هم همین برنامه را دارد و به علاوه در بهشت یا در جهنم انسان از طریق بدن یک

عذاب‌هایی و یا یک لذت‌هایی می‌برد و لذا خدای عادل حکیم قدرت‌نمایی کرده و خواسته که با همین بدن چون اگر با بدن دیگری می‌شد این اظهار قدرتی که پروردگار ذره‌ی بدن شما که در کنار ذره‌ی بدن آن فردی که در آمریکا زندگی می‌کند قرار گرفته از هم جدا نمی‌کرد؛ یعنی اگر این قدرت نبود طبعاً این کار نمی‌شد که آن ذره را از آنجا بر دارد بیاورد و این ذره را هم از اینجا بردارد ببرد و همه را سر هم بکند با یک اراده، نه با زحمت زیاد، ما باشیم می‌گوییم این کارها خیلی زحمت دارد باید ترکش کرد، نه؛ پروردگار «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» پس با همین بدن، اگر کسی معتقد بشود که

معاد روحانی است و جسمانی نیست این اصلاً ده‌ها آیه‌ی شریفه قرآن را منکر شده، اصلاً کلمه‌ی معاد یعنی عود روح به بدن، آیه شریفه‌ای که تلاوت کردم وقتی که آن عرب یک استخوان پوسیده‌ای را آورد خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوب جوابش این نبود که: «قُلْ يَحْيَاهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ»^{۲۵} طبعاً می‌خواست در جواب خدای تعالی بفرماید: که ما به بدن کاری نداریم روح او دو مرتبه می‌آید در قیامت یا قضیه‌ی اصحاب کهف و قضیه‌ی عَزِيز و این قضایا اصلاً همه‌اش مربوط به زنده شدن همین بدن بعد از مُردن یا

۲۵ - سوره یس، آیه ۷۹.

بیدار شدن همین بدن بعد از خواب، آیات زیادی در قرآن دلالت دارد که هر کس بگوید که معاد روحانی است، چون بعضی از مسلمان‌های نافهم این جمله را گاهی گفته‌اند و در کتاب‌هایشان هم گاهی دیده می‌شود که این بدن نیست و روح انسان است که در قیامت می‌آید، نه؛ با همین بدن، حالا نهایت یک مقداری اگر کور بوده این بدن و مؤمن بوده در آنجا چشم‌دار شده، یک اصلاحات خیلی معمولی لازم را ممکن است در بدن بوجود بیاورند، حالا یک نفری در دنیا فرض کنید فلج بوده، فرض کنید یک دست نداشته، فرض کنید مثلاً یک مسائلی از این قبیل داشته، خب در آخرت هم باید

همان طور باشد؟ نه، در آخرت خدا اصلاحش می‌کند این اندازه هست، ولی تمام سلول‌های بدنش، تمام ذرات بدنش از همین بدنی که در این دنیا داشته خدای تعالی دوباره خلقتش می‌کند.

۹- اتفاقات بعد از معاد جسمانی

پس بنابراین، قیامت برپا می‌شود، مردم روی کروی زمین ایستاده‌اند، خدای تعالی اعلامیه داده است که امروز به هیچ کس ظلم نمی‌شود، هر کس، هر مقدار عمل کرده به او جزا داده می‌شود و یک استثنائاتی هم طبعاً دارد، خب در دنیا

یک عده برای مزد کار نکرده‌اند، یک عده در دنیا خدا را دوست داشته‌اند و پاک بوده‌اند، یک عده در دنیا اصحاب یمین بوده‌اند این‌ها باید بیایند و بدنشان هم از همین دنیای خاکی بردارند، امّا یک راه کمربندی به اصطلاح از کنار قیامت باز می‌شود که در همین آیاتی که تلاوت کردم «وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» می‌بینیم می‌گوید: «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ»^{۲۶} مگر بندگان خالص خدا، در آن آیه‌ی دیگر «كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ»^{۲۷} «إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ»^{۲۷} یک استثنائی دارد شاید استثناء درباره‌ی همان مردمی که در

۲۶ - سوره صافات، آیه ۴۰.

۲۷ - سوره مدثر، آیه ۳۹.

آسمان چهارم مُتَعَنَم بودند به نعمت‌های الهی برای آن‌ها که قدر مسلّم است؛ یعنی از آسمان چهارم می‌آیند در کروی زمین، آن‌هایی که بدنشان همان بدن خاکی و زمینی است مثل انبیاء که در هفته‌های گذشته توضیح دادم این‌ها خب بدنشان همراهشان است همان بدن یک اصلاحاتی اگر لازم داشته باشد خواهد شد و بقیّه مثل شهداء، مثل صدیقین، مثل صالحین این‌ها بدن‌هایشان اگر بدن‌هایی که در دنیا گذاشته‌اند و دفن شده و خاک شده و حالا آمده‌اند بدنشان را بر می‌دارند، لباس‌ها دوخته شده، چون تعبیر لباس بهترین چیزی است برای بدن، لباس‌های دوخته شده با همان

اراده‌ی الهی، «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ لَشَيْءٍ أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»
لباس‌ها دوخته شده از همان پارچه‌ای که به اصطلاح شما در
کروی زمین گذاشته‌اید، از همان گوشت و پوست و
استخوانی که در کروی زمین گذاشته‌اید این‌ها را می‌پوشید و
در درگاه پروردگار همه آماده‌ی برای حل و فصل امورتان
خواهید بود. ولی آن‌هایی که اهل اخلاصند، آن‌هایی که در
این دنیا تنها به مادیات توجّه نکرده‌اند، خودشان را از صفات
رذیله پاک کرده‌اند، آن‌هایی که در این دنیا خودشان را به مقام
اخلاص رسانده‌اند، حالا «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^{۲۸} باشند یا

۲۸ - سوره اعراف، آیه ۲۹.

«مُخْلَص» باشند، این‌ها را یک راه کمربندی درست می‌کنند
غیر از انبیاء البتّه و همه به طرف بهشت حرکت می‌کنند و
باز با یک چشم به هم زدن وارد بهشت می‌شوند

۱۰- خوبانی که در قیامت می‌مانند و علت آن

و یک عده‌ای هم که در کروی زمین باقی می‌مانند این‌ها
کسانی هستند از این پنج دسته‌ای که عرض کردم این‌ها
کسانی هستند که یک کاری در قیامت دارند، یک کاری
دارند، انبیاء باید امتّشان را شفاعت کنند، انبیاء می‌مانند،
یک عده از افراد هستند که این‌ها وعده‌هایی به دوستان

معصیتکارشان دادند، به دوستان که اهل تزکیه‌ی نفس نبوده‌اند داده‌اند. خدا رحمت کند یک وقتی مرحوم حاج ملا آقا جان در یک محضری بودیم یکی از مراجع تقلید به ایشان پیشنهاد داد که با ایشان دست اخوت بدهد، ایشان نپذیرفت! من بیرون از آن خانه به ایشان عرض کردم: آقا شما این مرجع تقلید است، سیّد است، شما چرا دست اخوت ندادید؟ گفت: نمی‌دانم، به من آنجا جواب نمی‌دانم داد، بعد من به ایشان گفتم: ایشان به فلانی هم دست اخوت داده، آن فلانی که من گفتم از متصوفه بود و شیعه بود و روحانی بود ولی مذاق تصوّف داشت، به او گفتم: با فلانی هم دست

اخوّت داده - خدا رحمت کند ایشان را - ایشان با اینکه کنار
کوچه بود سرش را گذاشت روی زمین شکر کرد که خدای
تعالی دلش را در صراط مستقیم قرار داده، گفتم: چطور؟
گفت: این آقای صوفی روز قیامت لااقل باید جواب
اعتقاداتش را به خدای تعالی بدهد، بعد این مرجع، این آیت
الله منتظر او می شود که او را ببردش به بهشت و من هم باید
منتظر ایشان بشوم من حوصله ماندن در قیامت را ندارم.

۱۱- افرادی که در قیامت شفاعت می‌کنند

افرادی هستند در قیامت این‌ها شفاعت می‌کنند، شفاعت مخصوص ائمه اطهار علیهم‌السلام و فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها و سایر اولیاء خدا نیست، افرادی هستند که این‌ها یک مقداری از دیگران بهترند خودشان که آزاد می‌شوند دست یکی را هم می‌گیرند می‌گویند: بیایید برویم، مثل یک جایی دعوت شدید برای شما دعوت‌نامه فرستاده‌اند و اجازه‌ی ورود دادند دست یکی را هم می‌گیرد که دعوت نشده ممکن است دستش را بگیرد البتّه شفاعت بیشتر در ارتباط با گناهان است؛ انسان در دنیا گناه کرده در روز قیامت

شفعاء می آیند شفاعتش می کنند، البته حتی شفعاء درجه دو را باید خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السّلام شفاعت کنند؛ یعنی مؤمنین را، مسلمین را، خوبان را، این ها را باید ائمه اطهار علیهم السّلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و فاطمه زهرا سلام الله علیها شفاعت کنند ولی همه ی آن ها در روایات هست یک عدّه ای را شفاعت می کنند.

۱۲- شفاعت حضرت زهرا علیها السلام

در همین جریان فاطمه زهرا سلام الله علیها دارد که روز قیامت که می شود فاطمه سلام الله علیها از مقرّ خودشان حالا هر کجا هست در عرش هست، در آسمان چهارم هست تشریف می آورند می خواهند وارد کروی زمین بشوند منادی ندا می کند این روایت را هم شیعه نقل کرده هم سنی متعدّد هم نقل شده که منادی ندا می کند که: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ» چشم هایتان را بپوشانید، چشمتان را بگذارید روی هم، «حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ»^{۲۹} فاطمه می خواهد عبور کند،

۲۹ - بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۳.

چشم‌ها را می‌پوشانند، حتّی در بعضی از احادیث دارد که سادات که محرم هستند با حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، اصلاً آنجا حساب محرم و نامحرمی نیست، آن‌ها هم باید چشم‌هایشان را روی هم بگذارند، چرا؟ به خاطر اینکه یک مقامی فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها دارد که هیچ چشمی نمی‌تواند ببیند، حالا چه هست نمی‌دانم، بالاخره فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها عبور می‌کند. فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها می‌رسد به دَرِ بهشت، آنجا عرض می‌کند: پروردگارا من در دنیا که قدم را نشناختند، جدّاً حتّی من و شما که شیعه هستیم قدر فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها را نمی‌دانیم. گاهی با خودمان فکر

می‌کنیم یک زن آن هم هیجده ساله چطور می‌شود این اندازه
خدا به او عنایت کرده باشد که از حوادث، حوادثی که
می‌خواهد انجام بشود! یک روز علی ابن ابیطالب علیه‌السلام
وارد بر خانه شد فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها از حوادث قریب
الوقوع به او خبر داد که خدا به او خبر داده بود؛ ببینید یک
جریانی اتفاق می‌خواهد بیافتد اوّل به فاطمه زهرا
سلام‌الله‌علیها خبر دادند، از همان بداءها، از همان چه که در
بحث‌های گذشته عرض کردم که خدای تعالی به ائمه اطهار
علیهم‌السلام خبر می‌دهد، از همان غیب که بحثش انجام
شده و گفتم، خبر داده به فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها اوّل، هنوز

به علی ابن ابیطالب علیه السلام خبر نداده، از همان حوادثی که مخصوص خدا است - توجّه داشته باشید - علمش مخصوص پروردگار است، علم غیبی است که «لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ»^{۳۰} علم غیبی است که «لَا يَعْلَمُهُ» آیهی شریفه همین طور است تقریباً، هیچ کس نمی داند جز خدا، «وَلَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ»^{۳۱} از آن در هر شب جمعه، در هر چند وقت یک مرتبه، از آنچه که می خواهد اتفاق بیافتد و از بخش بداء الهی است این ها را به ائمه اطهار علیهم السلام و مخصوصاً به امام زمان خبر می دهند، از آینده، در اینجا از زهرا سلام الله علیها خبردار

۳۰ - بحار الانوار، ج ۴، ص ۹۵.

۳۱ - بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۹۵.

شده، دروغ هم نمی‌گوید، معصوم است، روی خیالاتِ فکری
خودش هم این حرف‌ها را نمی‌زند خدا به او گفته، علی ابن
ابطالب علیه‌السلام به صورت ظاهر تعجب می‌کند
برمی‌گردد، خانه‌ی علی با مسجد پیغمبر یک درگاه فاصله
داشت، یک دَر فاصله داشت، برمی‌گردد در مسجد، پیغمبر
اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «فَاطِمَه مِیْنِی» فاطمه از ما
است، از من است، که حالا یا این‌جا گفته یا در مکرّر جاها
فرموده است: «مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی» کسی که او را اذیت کند
مرا اذیت کند، «وَمَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَى اللّٰهَ»^{۳۲} کسی هم که او را

اذیت کرده خدا را اذیت کرده و کسی هم که خدا و پیغمبر را اذیت کند در دنیا و آخرت ملعون است یعنی از رحمت خدا دور است که در آن آیه می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»^{۳۳} بنابراین ایام متعلق به فاطمه ی اطهر سلام الله علیها است.

روز قیامت برمی گردد در محشر و دوستانش از بین مردم جدا می کند خدا کند روز قیامت ما را هم صدا بزند فلانی تو هم بیا، عقب سر فاطمه زهرا سلام الله علیها راه بیافتیم، دست هایمان به ریشه های چادر آن حضرت باشد، ریشه ی

۳۳ - سوره احزاب، آیه ۵۷.

چادر آن حضرت هم ارتباطِ روحی و محبّت و معنوی است
که با آن حضرت در معنایی که از روایت استفاده می‌شود
خواهد بود، وقتی که دوستان فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌آیند در
بهشت، یا فاطمه! ما در دنیا خیلی مهجور بودیم، خیلی اذیت
کشیدیم، اگر اظهار محبّت، یک مدّت زمانی این طوری بود،
الآن هم شاید بعضی‌ها همین طوری عمل کنند که اگر کسی
به دشمنان فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها اگر توهینی می‌کرد یا
فحشی می‌داد او را می‌گرفتند اذیتش می‌کردند، آن شخص
می‌گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدم گفتم: یک
پیرزن به زمین خورد صدا زد: خدا لعنت کند ظالمین تو را ای

فاطمه زهرا سلام الله عليها او را گرفتند، فشار و اذیتش کردند و او را به زندان بردند! حضرت صادق علیه السلام گفت: بیا دعا کنیم، گریه کرد فرمود: بیا دعا کنیم او از زندان آزاد بشود، ما در دنیا خیلی فشار دیده ایم، خیلی اذیت دیدیم به خاطر محبت به تو، فاطمه زهرا سلام الله عليها می فرماید: شما هم بروید دوستانتان را از صحرای محشر نجات بدهید با خودتان بیاورید، این ها شفعا می هستند که با شفاعت فاطمه شفیع شدند و وارد بهشت می شوند، خدایا به آبروی فاطمه اطهر سلام الله عليها این قیامتی که سریعاً به ما می رسد مثل چشم به هم زدن ممکن است ما به آن برسیم پروردگارا ما را در این

قیامت مرهون محبت‌های فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها قرارمان
بده، همه‌ی ما را از یارانِ و اصحابِ امام زمان قرارمان بده.
«نسئلك و ندعوك باعظم اسمائك و بمولانا صاحب الزمان یا
الله، یا الله و یا الله و یا الله و یا الله و یا الله و یا الله
و یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب یا قاضی الحاجات یا
ربّاه یا سیّده، عَجَلْ لولیک الفرج، عَجَلْ لمولانا الفرج» خدایا
امام زمان ما را به ما برسان. ما را از این همه‌ی سرگردانی
نجات مرحمت بفرما. خدایا ما را از خدمتگزاران به دینت
قرارمان بده. خدایا ما را از مُخْلِصین قرار بده. پروردگارا دین و
دنیا و آخرتمان را در پناه امام زمان از خطرات حفظ بفرما.

پروردگارا مرض‌های روحی‌مان شفا مرحمت بفرما. مریض‌های
اسلام، مریضه منظوره، مریض منظور الساعه لباس عافیت
بیوشان. امواتمان غریق رحمت بفرما. شهدائمان، امام
راحلمان با شهدای کربلا محشور بفرما. عاقبتمان را ختم
بخیر بفرما. «رَحِمَ اللَّهُ لِمَنْ يَقْرَأُ فَاتِحَهُ وَ الصَّلَوَاتُ»